

جایگاه پلیس در برخورد با خشونت علیه زنان: از مقررات قانونی تا رویه‌های عملی در حقوق ایران و کانادا

احمد نوری سوا^۱

چکیده

هدف مقاله حاضر، بررسی وضعیت خشونت علیه بانوان و شناخت و جایگاه پلیس در برخورد با این پدیده از مقررات قانونی تا رویه‌های عملی در حقوق ایران و کشور کانادا است. خشونت علیه بانوان اختصاص به یک منطقه خاص جغرافیایی یا سطح معینی از اقتصاد و رفاه ندارد و در همه جوامع و تمامی لایه‌های اجتماعی قابل بررسی است. هرچند شیوع، نوع، شدت و عواقب و عوامل مساعد کننده این پدیده متفاوت است. به نظر می‌رسد اتخاذ تدابیری برای پیشگیری از بروز این پدیده در جامعه لازم و ضروری است که در اکثر کشورها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی و حقوقی صلاحیت و مجوز قانونی را در اختیار دارند. لذا پلیس و نیروی انتظامی از جمله موثرترین نیروهای موثر در پیشگیری از بروز این پدیده و جایگاه پلیس در برخورد با خشونت علیه بانوان و چنین ناهنجاری اجتماعی تعیین کننده و راهبردی است. مسئله خشونت علیه زنان آنچنان فراگیر و بدون مرز است که نهادهای جهانی نظیر سازمان ملل متحد و سازمان‌های دفاع از حقوق بشر را واداشته است که نسبت به این موضوع واکنش نشان دهد. نقش پلیس در پیشگیری بروز این پدیده مشکل است ولی با تخصصی کردن پلیس و استخدام پلیس زنان می‌توان روند خشونت علیه بانوان را کمتر کرد و در کشور کانادا با توجه به آمار شفاف پلیس نقش موثری در خشونت علیه زنان دارد.

واژگان کلیدی: خشونت علیه بانوان، ایران، عملکرد پلیس، کانادا، حقوق

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزاء و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلام‌شهر Estacademic@gmail.com

مقدمه

خشونت علیه زنان یکی از موانع مهم تحقق اهداف حقوق بشر در قرن بیست و یکم است. زنان در همه دوران زندگی خود ممکن است با خشونت روبرو شوند علاوه بر همسر، پدر و برادر و حتی فرزندان نیز، می‌توانند به زن خشونت کنند. زنان در زندگی خود چهار شکل خشونت شامل فیزیکی، روانی، اقتصادی و جنسی را تجربه می‌کنند. پاسخ پلیس به خشونت علیه بانوان در سه حوزه اجتماعی، وضعی و کیفری قابل تقسیم‌بندی است. خشونت علیه بانوان، برخلاف خشونت علیه مردان، از جانب افرادی واقع می‌شود که با بزه دیده رابطه نزدیک دارند. بزه‌دیدگان این جرم به دلیل مشکلات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ارتباطات نزدیک با بزه‌کار یا ترس از وی، جرم واقعه علیه خود را به مراجع پلیسی و قضایی گزارش نمی‌کنند، از این حیث نرخ گزارش نشده در این معضل بیشتر از سایر جرائم است و این امر به نوبه خود ابهامات مرتبط با این مسئله را دو چندان می‌کند.

مسئله خشونت علیه زنان آنچنان فراگیر و بدون مرز است که نهادهای جهانی نظیر سازمان ملل متحد و سازمان‌های دفاع از حقوق بشر را واداشته است که نسبت به این موضوع واکنش نشان دهد، بطوریکه در قطعنامه کنفرانس حقوق بشر که در سال ۱۹۹۷ در وین برگزار شد با اشاره به اشکال خشونت اعمال شده بر علیه زنان در سراسر جهان به این نکته تاکید شده است که باید در نگرش مردان به زنان تغییراتی داده شود و زنان به مردان یاری برسانند که در برداشته‌های خود نسبت به زنان تجدیدنظر کنند.

۱۲۲

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۱- خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان موضوعی فراگیر با ابعاد یک همه‌گیری جهانی است که بر همه جوامع تأثیر می‌گذارد. این مسئله ناقض حقوق و آزادی‌های اساسی قربانیان خشونت است. این شکل از خشونت می‌تواند تأثیری ویران‌گر بر زندگی قربانیان، خانواده، و جامعه‌شان داشته باشد. مطالعات انجام شده در هر پنج قاره نشان می‌دهد که هیچ جامعه‌ای نباید خود را در برابر این خشونت مصون بداند. رویه‌های خشونت‌آمیز که زنان و دختران را قربانی می‌کند از ورای مرزهای اجتماعی، فرهنگی، قومیتی، و دینی گذر می‌کند (unodc.org). حمایت از بانوان بزه‌دیده و پیشگیری از بزه‌دیدگی مکرر یکی از جلوه‌های تضمین برابری زنان و رعایت شأن اجتماعی آنها است. به دلیل وسعت گستره زمانی و مکانی حضور اجتماعی پلیس، نقش این نهاد در حمایت از حقوق بانوان بزه‌دیده بی‌بدیل است (افراسیابی و افراسیابی، ۱۳۹۵: ۷). براساس نظریه یادگیری اجتماعی رفتارهای افراد در اثر همنشینی با افراد جامعه آموخته می‌شود، این دیدگاه به نقش خانواده و همسالان در ارتکاب

خشونت اشاره دارد. باندورا مدعی است که غالب رفتارهای انسان از طریق مشاهده و در خلال فرآیند الگوسازی فرا گرفته می‌شوند. برگس و اکرس نیز یادگیری رفتار کجروانه را عمدتاً از طریق فرآیندهای تقویت و سازوکارهای اساسی آن یعنی تشویق و تنبیه مورد توجه قرار می‌دهند و معتقدند ادامه یا توقف هر نوع رفتاری بستگی به تشویق یا مجازات دارد؛ یعنی تشویق موجب ادامه رفتارهای انحرافی همچون سایر رفتارهای اجتماعی در اثر آمیزش با دیگران آموخته می‌شود (میرزایی، ۱۳۹۴: ۵۸).

رد^۱ نیز معتقد است همه رفتارها و اعمال افراد در زندگی تحت تاثیر مدل‌ها و نمونه‌ها می‌باشد او می‌گوید که تقلید امری اجتماعی بنیادی است و بر روابط افراد حاکم است. ویلسون و هرنشتاین، محیط خانواده و تجربه‌های نخستین فرد در مدرسه را از جمله مهمترین علل اجتماعی موثر در رفتارهای کجروانه (خشن) به حساب می‌آورند. نظریه یادگیری پیشنهاد می‌کند که افراد رفتارهای خشن را با مشاهده یاد می‌گیرند و اگر اینگونه رفتارها مورد تنبیه قرار نگیرد و برعکس مورد تشویق واقع شود، تقویت می‌گردد و ادامه می‌یابد. برای مثال پسری که می‌بیند پدرش مادرش را می‌زند، احتمال اینکه در آینده همسرش را بزند، زیاد است، بنابراین خشونت بواسطه قرار گرفتن در معرض ارزش‌های اجتماعی و اعتقادات راجع به نقش‌های زنان و مردان یاد گرفته می‌شود و زمانی تقویت می‌شود که تنبیه مناسب اعمال نگردد.

به اعتقاد هیرشی که نظریه کنترل اجتماعی را مطرح می‌کند، بزهکاری زمانی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود یا به کلی از بین برود. از نظر وی درجه قبول ارزش‌ها و هنجارهای جامعه از ۱۲۳ طرف افراد به میزان پیوستگی آنها با نظام اجتماعی بستگی دارد. از نظر او بین پیوند با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشروعیت اخلاقی رابطه وجود دارد و اعتقادات فرد نیز متأثر از پیوند با مدرسه، خانواده و جامعه است. با سست شدن این پیوندها از شدت اعتقادات کاسته می‌شود. هیرشی چهار عنصر را بعنوان عناصر پیوند دهنده افراد جامعه به یکدیگر برشمرده که موجب جلوگیری افراد از ارتکاب به خشونت و جرم می‌گردد. این چهار عنصر عبارتند از: (۱) دلبستگی یا تعلق خاطر به خانواده، دوستان و جامعه، (۲) تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه، (۳) مشارکت و درگیر بودن در فعالیت روزمره، (۴) اعتقادات و باورهای فرد به قواعد اخلاق و اجتماعی (رئیس، ۱۳۸۲: ۱۴۱). نظریه‌های فشار مدعی هستند جرم تابعی از تضاد بین اهداف و ابزارهایی است که مردم می‌توانند به شیوه مشروع برای رسیدن به آن اهداف از آن استفاده کنند.

پلیس با مسئله خشونت علیه بانوان بیشترین میزان درگیری را دارد یا به عبارت بهتر نوک پیکان عدالت کیفری در برخورد با مسئله خشونت علیه بانوان است. اولین نهاد رسمی که از خشونت علیه بانوان مطلع می‌شود پلیس است.

¹ Red

نکته قابل ذکر این است که به ازای بی‌عدالتی اجتماعی علیه بانوان، باعث می‌شود که به همان میزان نرخ خشونت علیه بانوان در جلوه‌های ضرب، جرح، قتل، توهین و آزار و اذیت‌های روانی - عاطفی بیشتر خواهد گشت و این امر به نوبه خود منابع مالی، انسانی و سازمانی بیشتری از پلیس را هزینه خواهد کرد.

۱-۲- تعریف پلیس

گسترده‌گی نیروهای پلیس در زمان و مکان باعث شده این نهاد در دسترس شهروندان، بزه‌دیدگان و نهادهای عمومی یا خصوصی باشد. پلیس اولین پاسخ‌گر به بزه‌دیدگی است. عموماً بزه‌دیده برای تعقیب کیفری بزه‌کار شکایت خود را به پلیس ارائه می‌کند؛ مرتکب جرم خود را به مرجع پلیس معرفی می‌کند و اشخاص حقیقی یا حقوقی به محض مشاهده یا اطلاع از وقوع جرم یا بزه‌دیدگی به پلیس اطلاع می‌دهند. در بزه‌دیدگی بانوان، ملاحظات خاصی وجود دارد که توجه به آنها از جانب پلیس ضروری است. این ملاحظات در ادامه تشریح می‌شوند.

برای کاهش خطرات بزه‌دیدگی و تشدید خشونت، پلیس به محض اطلاع از بزه‌دیدگی بانوان باید با حضور فیزیکی در محل وقوع جرم به آن پاسخ دهد. با عنایت به اینکه برخی افراد بیشتر از سایرین قابلیت‌ها و شانس بزه‌دیدگی دارند (نجباتی، ۱۳۹۲: ۴۲). پلیس باید با استفاده از آمارهای جنایی و درخواست‌های تلفنی، افراد و مکان‌های داغ بزه‌دیدگی و بزه‌دیدگی مکرر را شناسایی کرده و پاسخ‌های حمایتی ویژه‌ای برای آنها تدارک ببیند. در صورتی که درخواست کمک از طریق تماس تلفنی بیان شده باشد، اپراتور مرکز تلفن باید آدرس دقیق محل وقوع جرم را جویا شود و اطلاعات مرتبط با خطرات تهدید کننده و ویژگی‌های خطر را از اعلام کننده یا بزه‌دیده اخذ کند تا ماموران اعزامی آمادگی انجام پاسخ‌های مناسب با واقعه را داشته باشند. اگر تماس تلفنی قطع شود باید با وی تماس گرفته شود و پیگیری درخواست وی انجام شود؛ چراکه امکان قطع تماس تلفنی در نتیجه تهدید، ضرب و جرح و ... در بزه‌دیدگی بانوان بالا است و قطع تماس تلفنی نباید مانع از کمک‌رسانی پلیس شود.

رعایت ملاحظات خاص بزه‌دیدگی بانوان ایجاب می‌کند، پلیس بانوان برای اخذ شکایت بزه‌دیده و اظهارات وی درباره بزه‌دیدگی استخدام شود تا بانوان بزه‌دیده بتوانند به راحتی مسائل فراروی خود را تشریح کنند. در صورت مراجعه حضوری بزه‌دیده به مرجع پلیس و گزارش بزه‌دیدگی خود، پلیس بانوان شکایت وی را ثبت و اقدامات قانونی برای تعقیب متهم را انجام می‌دهد. حتی در صورتی که مکان ادعایی وقوع جرم خارج از حوزه ماموریتی مرجع انتظامی باشد، نباید از پذیرش شکایت و ثبت آن امتناع شود و باید شکایت اخذ و در حداقل زمان ممکن به مرجع قضایی و پلیسی صلاحیت‌دار ارسال شود تا اقدامات لازم برای تعقیب متهم انجام شود. در صورتی که بزه‌دیده به اقدامات حمایتی نیاز داشته باشد، اقدامات حمایتی لازم انجام و در

صورت نیاز بزه‌دیده به نهادهای حمایت‌گر معرفی و تحت حمایت قرار گیرد (همان، ۴۵). در این میان نباید فراموش شود که گذشت زمان معیاری برای عدم اقدام از جانب پلیس نیست، مگر اینکه زمان سپری شده به میزانی باشد که مشمول یکی از موارد مرور زمان تعقیب مذکور در آئین دادرسی کیفری باشد یا ویژگی‌های خاص جرم در کنار اهمیت بزه‌دیدگی ایجاب کند که تعقیب کیفری مرتکب با تامین منافع بزه‌دیده هم‌سو نیست و بزه‌دیده متقاضی تعقیب کیفری نباشد. در صورتی که دلایل وقوع بزه‌دیدگی موجود باشد، پلیس باید ادله اثباتی را مستندسازی کرده و در گزارشی جامع به مقام تعقیب دعوای عمومی اعلام کند، حتی اگر بزه‌دیده تمایلی به تعقیب جرم و همکاری با تحقیقات پلیسی نداشته باشد. گزارش و ادله اثباتی گردآوری شده باید بگونه‌ای باشد که امکان تعقیب جرم علیرغم عدم همکاری بزه‌دیده و عدم تمایل وی به تعقیب را امکان‌پذیر کند. ضبط درخواست تلفنی بزه‌دیده از پلیس برای کمک‌رسانی می‌تواند بعنوان قرینه اثبات جرم مفید باشد.

۲- جایگاه پلیس مبتنی بر پیشگیری اجتماعی از خشونت علیه زنان

۲-۱- پاسخ‌های آموزشی

در صورتی که به بررسی پدیده خشونت علیه زنان در ایران تمایل داشته باشیم، نگاهی به ساختار جامعه و چگونگی روابط قدرت در آن نیز باید طرف توجه قرار گیرد. زیرا شواهد موجود نشان می‌دهد که زنان در خانواده‌ها، تحت انواع خشونت‌ها هستند ولی هیچ تلاش اجتماعی برای تغییر در این وضعیت صورت نمی‌گیرد. حتی راه‌حل‌های متداول به منظور کاهش خشونت نیز (مانند تقبیح خشونت از طریق رسانه‌های جمعی و یا دادن آگاهی به کودکان در مدارس و ایجاد امکاناتی برای محافظت از آنان که شاید از ساده‌ترین موارد پیشگیری از خشونت باشند) به صورت سازمان یافته و دولتی انجام نمی‌شود (ثباتی، ۱۳۹۵: ۳۹). زنان تحت خشونت در استفاده از راه‌حل‌های فردی برای مقابله و دفع این پدیده می‌کوشند. از انواع راه‌های مقابله با خشونت می‌توان از طلاق زنان، مراجعه به مراکز خانواده درمانی، اعتراض و یا راهکارهای دیگر نام برد (اعزاز، ۱۳۸۳: ۸۳). پیشگیری خشونت با سازماندهی جامعه میسر می‌شود. در هر جامعه، صرف‌نظر از اندازه و جمعیتی که دارد، در صورتی می‌توان زنان و کودکان را از گزند رفتار جسمی و جنسی در امان نگاه داشت که بخش‌های خدمات به یک حد از توسعه رسیده باشد. یعنی رشد متوازن مرکز خدماتی به علاوه رابطه و همکاری آنها با یکدیگر به یاری تشکل‌های میانجی، سازماندهی جامعه را در جهت تحقق هدف آماده سازد. در غیر اینصورت، تصویب قوانین به تنهایی و بدون آنکه قضات متقاعد به اهمیت موضوع شده باشند، همچنین مجازات ضاربین بی‌آنکه مرتکبین خشونت، فرصت‌هایی برای تغییر ساختار ذهنی خود داشته باشند و سخت‌گیری نیروی انتظامی با

مجرمین بدون آنکه خانه‌های امن برای خشونت دیدگان ایجاد شده باشد و ... کارساز نیست (حیاتی، ۱۳۸۳: ۵۶). پیامدهای خشونت علیه زنان می‌تواند سبب مرگ آنان شده یا احساس خودکشی در آنان را تقویت کند. آموزش افراد در جامعه از مهمترین راه‌های جلوگیری از خشونت علیه زنان است بدلیل اینکه بسیاری از زنانی که دچار خشونت می‌شوند حاضر به افشای آن نیستند. در برخی از جوامع کمتر توسعه یافته، خشونت مردان خانواده علیه دختران، همسران و مادران امر عادی تلقی می‌شود. آموزش مصادیق خشونت و آگاه‌سازی جامعه می‌تواند قدم اول برای مهار خشونت باشد. در صورتی که خشونت ادامه یابد، ترک فرد آزارگر در صورت امکان می‌تواند راه‌حلی برای این معضل باشد. گرچه در برخی جوامع به ویژه جوامع کمتر توسعه یافته به دلیل عدم استقلال ذهنی و اقتصادی زنان، برای بسیاری از آنان ترک آزارگر امکانپذیر نیست. و یا آشکار کردن خشونت، شکایت به قانون و مراجعه به مشاور و روانشناس از جمله رفتارهایی است که پس از بروز خشونت باید انجام بپذیرد. مقابله با خشونت وظیفه اجتماعی شهروندان و حکومت‌ها است. آموزش عمومی جامعه، تصویب قوانین قضایی علیه خشونت و فراهم آوردن امکانات درمانی قربانیان از جمله وظایفی است که بر دوش دولت‌ها قرار دارد (نورمحمدی، ۱۳۹۰: ۳۰).

محتوای آموزشی را باید متناسب با گروه هدف تدوین نمود. محتوای آموزشی که با هدف توانمندسازی زنان مردان در مواجهه با مشکلات زندگی تشکیل می‌شود، آموزش‌های قبل و بعد از ازدواج در زمینه‌های حقوقی، بهداشتی و روانی از جمله آشنایی با مسئولیت‌های زن و مرد در خانواده، نقش‌ها و خصوصیات روانشناختی زن و مرد تفاوت‌های آنها، نحوه حسن معاشرت با یکدیگر، مهارت‌های ارتباطی و سازگاری برای مواجهه با مشکلات و انتخاب درست رفتارهای جایگزین برای حل مسئله، مدیریت استرس و کنترل خشم، رفتار و روابط صحیح در ارتباط زناشویی و جنسی، آموزش فرهنگ عفاف و بازگشت به فرهنگ دینی برای زن و مرد، نحوه سازگاری با تغییرات سبک زندگی از سنتی به مدرن و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری خانواده را شامل خواهد بود. کارشناسان اعتقاد داشتند که خانواده‌ها باید آموزش ببینند که چگونه در هنگام بحران‌های خانوادگی به روانشناس، روان‌درمانگر، روانپزشک و یا مددکاران اجتماعی با تجربه مراجعه نمایند و کمک‌های لازم را دریافت کنند. تهیه کتابچه‌های آموزشی ویژه (فوق برنامه) برای دانش‌آموزان، برگزاری کارگاه‌های آموزشی مهارت‌های زندگی و توانایی حل مساله برای دانش‌آموزان و خانواده‌ها، برپایی جلسات آموزشی به صورت پرسش و پاسخ در فرهنگسراها و اماکن فرهنگی عمومی برای خانواده‌ها، استفاده از رسانه‌های همگانی مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها، مجلات، و تولید فیلم‌های سینمایی با کیفیت بالا برای انتقال موضوع خشونت خانگی علیه زنان بوده است (کار، ۱۳۷۹: ۷۴).

کشور کانادا، خشونت را بدینگونه تعریف نموده است، خشونت در نتیجه تعامل بین عوامل بیولوژیکی روانشناختی و محیط خارجی ظاهر می‌شود. عوامل بیولوژیک نشان داده شده است که رفتار تهاجمی بطور کلی با سیستم لنبی و لوب‌های مغناطیسی و مغزی ارتباط دارد.

۱۱) انتقال دهنده‌های عصبی: متابولیسم سراتونین بر روی خودکشی و نیز ظهور رفتارهای خشونت‌آمیز به شیوه‌های مشابه اثر می‌گذارد. اسید گاما آمینو بوتیریک (گابا) نشان داده شده است که مهار کننده تهاجمی است و سطوح نورئین فین و سطح لپتین افزایش می‌یابد و رفتار تهاجمی را افزایش می‌دهد.

۲) سیستم لنفاوی: هیچ توافقی کامل در ارتباط بین تجاوز و تشنج ناشی از ساختارهای این منطقه وجود ندارد.

۳) اختلالات غدد درون ریز: ظهور رفتارهای خشونت‌آمیز در مردان نشان می‌دهد که آندروژن‌ها در ایجاد خشونت نقش دارند. با این حال، مطالعات این رابطه را تأیید نمی‌کنند. درمان آنتی آندروژنی از جلوگیری از رفتارهای خشونت‌آمیز جلوگیری نمی‌کند. سندرم پیش از قاعدگی باعث افزایش رفتار تهاجمی در زنان می‌شود. با این حال، هیچ شواهدی وجود ندارد که رابطه را تأیید کند.

۴) الکل و مواد مخدر: الکل باعث مهار در کنترل ضربه و کاهش توانایی عقل می‌شود. رابطه بین مشروبات الکلی و رفتارهای خشونت‌آمیز رابطه‌ای روشن است. داروهای دیگر مانند آفتامین، کوکائین، فنسیکیدیدین و داروهای آرام‌بخش و هیپنوتیزم اثر مشابهی بر مغز و رفتار دارند. استفاده از این و مواد غیرقانونی مشابه ۱۲۷ باعث رفتار تهاجمی و جنایتکارانه و همچنین علت غیرمستقیم رفتار خشونت‌آمیز است.

۵) عوامل رشد: فردی که خشونت را در دوران کودکی تجربه می‌کند، خطر ابتلا به یک بالغ خشونت‌آمیز را افزایش می‌دهد. شاهد بودن خشونت در دوران کودکی نیز افزایش یافته است. کودکانی که شاهد خشونت علیه مادر یا سایر اعضای خانواده می‌باشند حتی اگر خشونت مستقیماً به کودک اعمال نشود، می‌تواند رفتار آینده کودک را تحت تاثیر قرار دهد. کدام گروه بیشتر تحت تاثیر خشونت قرار دارند؟ کسانی که بیشتر در معرض خشونت قرار دارند زنان دارای فرزند که زیر ۳۰ سال سن دارند، دختر بچه‌ها، دختران نوجوان، همه کودکان، سالمندان، معلولین، بی‌خانمانان، پناهندگان، مهاجران، اعضای اقلیت قومی. پیشنهاد نگارنده، تأسیس یک مرکز ملی پژوهش و برنامه‌ریزی در زمینه پیشگیری و کنترل خشونت خانگی و انتشار خبرنامه‌های علمی و پژوهشی برای اطلاع‌رسانی به جامعه و حساس‌سازی سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان بود که بتوانند بین دستگاه‌های مسئول کشور در حوزه‌های نظام سلامت، نظام قضایی و پلیس و آموزش عمومی، همگرایی و هماهنگی ایجاد کند.

۲-۲- برگزاری نشست‌های تلویزیونی

تحلیل برنامه‌ها و محتویات تلویزیون فیلم‌ها و حوادث ورزشی نمایش داده شده حاکی از آن است که همه آنها تا اندازه‌ای دارای خشونت هستند یافته‌های مطالعات انجام شده در مورد اثرات محتوای خشن برنامه‌های رسانه‌ها بر پرخشگری هنوز کاملاً اثبات نشده‌اند اما در مجموع منجر به این نتیجه شده‌اند که نمایش خشونت رسانه‌ها ممکن است یک عامل مشارکتی برای بالا بردن سطح خشونت باشد (بخشی سورشجانی، ۱۳۸۵: ۳۹). انتقال دائمی اطلاعات درباره جرائم و افعال خشونت‌آمیز و تماس پیاپی با خشونت ناشی از تولیدات رسانه‌ها و به ویژه برنامه‌های تلویزیونی، بدون تردید به بی‌احساسی و خونسردی در برابر عمل خشونت‌آمیز منجر شده، بطوریکه همدردی با قربانیان خشونت دیگر هیچ جایگاهی نداشته و گرایش بینندگان را به سمت خشونت در پی دارد. که این مسئله در اعمال خشونت علیه زنان در خانواده و جامعه نیز بی‌تاثیر نیست. جلوگیری از پخش تصاویر کلیشه‌ای و توهین‌آمیز نسبت به زنان اجتناب از جنجال‌برانگیز کردن موارد وقوع خشونت علیه زنان، احترام به حق زندگی شخصی قربانیان خشونت از طریق عدم افشای هویت آنها و ایجاد محدودیت در کاربرد مطالب خشونت‌آمیز در رسانه‌ها و نیز ایجاد سازوکارهای نظارتی برای تضمین ارائه تصویر صحیح و متعادل از زن می‌تواند تا حدودی از تاثیر رسانه‌های گروهی بر اعمال خشونت علیه زنان بکاهد، محصولات و تولیدات رسانه‌ای خفت‌انگیز یا هرزه‌نگارانه و خشونت‌آمیز، بر زنان و مشارکت آنان در جامعه تاثیر منفی گذارده و با ترویج و گسترش نقش‌های سنتی و کلیشه‌ای زنان به شیوع عقاید و نگرش‌های پست‌نگری نسبت به زنان کمک می‌کنند که به انواع خشونت‌ها علیه زنان منجر می‌شود (مولاوودی، ۱۳۸۷: ۲۲).

۱۲۸

۲-۳- ساخت تیزرهای تبلیغاتی

در تمامی جوامع، تبلیغات به دو گونه می‌تواند زنان را مورد حمله قرار دهد. اول سوء استفاده از زنان برای تبلیغات و دوم تبلیغات علیه زنان که هر کدام بنا بر فرهنگ رایج در هر جامعه‌ای می‌تواند کاربرد بیشتر و کمتری داشته باشد. سوء استفاده جنسی در تبلیغات مبتنی بر جنسیت زنان بدین نحو که در بسیاری از کشورهای غربی، رسانه‌های گروهی از جمله تلویزیون برای نمایش کالاهایشان از زنان استفاده‌های متعددی می‌کنند. آنها در حالت‌های مختلف، با پوشش‌های گوناگون بطوریکه حداکثر برانگیختگی جنسی را در مشاهده‌گر ایجاد کند، به جهت تبلیغ یک محصول، بطور مثال یک ماشین - در کنار آن قرار می‌گیرند. در حقیقت سازندگان چنین تبلیغاتی با در نظر گرفتن گزینه جنسی آدم‌ها آنچه را که می‌تواند بیشترین تاثیر در جلب توجه افراد داشته باشد در نظر گرفته و آن را به جذاب‌ترین شکل ممکن حتی در کوتاه‌ترین مدت اما تاثیرگذارترین حالت، در مقابل چشمان بیننده قرار می‌دهند (جوآنمرد، ۱۳۹۰: ۷۶). آنچنان که بیننده حتی چند دقیقه بعد از تبلیغ، به دلیل بازی رنگ‌ها و حرکات، همچنان تحت تاثیر آن قرار دارد و البته شاید بتوان

گفت به نوعی شرطی می‌شود چراکه با هر بار دیدن کالای مورد تبلیغ در هر جا، در کنار آن جذابیت زن نیز برایش تداعی می‌شود. آنچه که در این کشورها مورد انتقاد قرار می‌گیرد استفاده ابزاری از زنان است. به اعتقاد این گروه از منتقدین زن به مثابه برده برای مقاصد تجاری استفاده می‌شود. گروه‌های اسلامی نیز معتقدند کشورهای غربی با شهوانی جلوه دادن زنان به منزلت آنها توهین کرده و مورد سوءاستفاده قرار می‌دهند. آنچه مهم است نقش پنهانی تبلیغات است که با دور کردن انسان‌ها از ذات‌شان و نقش دادن به آنها، به خصوص زنان در سراسر دنیا، فرصت بهینه زیستن را گرفته و به صورت خشونت پنهانی، آدمی را در سطوح ارضای غریز ننگه می‌دارد. تبلیغات همیشه و همه‌جا در خدمت رشد و بسط تسلط بر اراده و قدرت تفکر مردم بوده، وسیله‌ای در راستای تحقق اهداف سودجویان. بگونه‌ای که انسان امروزی اگر نتواند با آنچه تبلیغات به آهستگی در بطن جامعه می‌پروراند همسو شود منزوی می‌گردد. تبلیغات در کل جهان تهدیدی برای تفکر آدمی است و زنان اصلی‌ترین هدف و سیبل حمله برای چنین تهدیداتی هستند و این مخفی‌ترین نوع خشونت علیه زنان است.

۲-۴- معرفی موقت بانوان بزهدیده به خانه‌های امن

طرح ایجاد خانه‌های امن، طرحی است که در بسیاری از کشورهای دنیا با پشتوانه تحقیقی - پژوهشی به اجرا درآمده و تاکنون به بسیاری از مشکلات پاسخ داده و حتی در امر پیشگیری درگیری‌های خانگی نیز موفق بوده است. بطور قطع مردی که مجبور به یافتن پاسخ به هیچ سوالی برای کتک زدن همسرش از سوی قانون و عرف نیست و زن نیز جایی غیر خانه او، برای پناه بردن ندارد، الزامی برای کنترل و مهار خشم خود ندیده و با ایجاد کوچک‌ترین نارضایتی و مسئله‌ای اقدام به پرخشگری و اعمال خشونت خواهد کرد. در راستای مهار چنین رویه‌ای و براساس مصوبه آخرین نشست اعضای شورای اجتماعی کشور قرار بر این است «خانه‌های پناه‌جو» با هدف حمایت از زنان پناه‌جو در سراسر کشور راه‌اندازی می‌شود. زنان پناه‌جو به زنانی اطلاق می‌شود که خشونت دیده و یا در معرض خشونت بوده یا بنا به دلایلی از قبیل طلاق، فوت، زندانی بودن، اعتیاد همسر یا سرپرستی خانواده در معرض تهدید و آسیب‌های اجتماعی قرار گرفته‌اند و در شرایط بحرانی با مشکل تأمین سرپناه روبرو هستند. طرح تاسیس خانه‌های پناه‌جو که چندی پیش با عنوان «خانه‌های امن» مطرح بود از سال ۷۷ و پس از اعلام نتایج یک مطالعه سه ساله در مورد خشونت علیه زنان به صورت جدی جزء مطالبات مجامع کارشناسی و غیردولتی کشور قرار گرفت.

طی این سال‌ها اجرای این طرح به‌رغم حمایت از سوی دولت همواره با مخالفت‌های جدی حقوقی مواجه بود، چراکه معتقد بودند از آنجا که طبق قانون داخلی زن تابع مرد است هیچکس حق ندارد زن را بدون اجازه مردش در محلی اسکان دهد و شوهر زن می‌تواند با طرح شکایت موضوع را پیگیری کند. اما این سد بالاخره

در حجم انبوه مراجعات زنان آسیب دیده شکسته شد و از سال ۸۳ قوه قضائیه نیز بهترین راهکار برای حمایت از زنان خشونت دیده را در راه‌اندازی «خانه‌های پناه‌جو» یافت. اگرچه تاکنون جز «کلیات» خبر دیگری از طرح احداث خانه‌های پناه‌جو مخابره نشده است اما با توجه به تشابهات کلی این خانه‌ها با خانه امن می‌توان هدف از احداث این خانه‌ها را نیز در ارائه خدمات به زنان خشونت دیده و یا در معرض خشونت، پیشگیری از بروز و رسوخ آسیب‌های اجتماعی در زنان پناه‌جو و زنان در معرض خطر، ایجاد بستر مناسب برای توانمندسازی زنان پناه‌جو و جلوگیری از تداوم خشونت علیه زنان عنوان کرد که از اجرای وظایفی مانند پذیرش و نگهداری زنان پناه‌جو، ارائه خدمات اجتماعی مداخله برای رفع عوامل به وجود آورنده خشونت، انجام حمایت و پیگیری وضعیت زنان پناه‌جو پس از ترخیص خواهد یافت (افروزمنش، ۱۳۷۳). اما بدون شک تحقق این اهداف و اجرای صحیح وظایف در نظر گرفته شده برای «خانه‌های پناه‌جو» نیازمند یک هماهنگی کامل بین تصویب‌کنندگان و مجری است که به نظر می‌رسد دست کم تا به امروز از آن سخنی در میان نیست. در این خانه‌ها «اصل بر اعتماد» است، بنابراین در خانه‌های پناه‌جو تنها براساس «اعتراف» فرد نیز امکان‌پذیر و مجاز است بدین معنا که از آنجا که هیچ زنی به جدا شدن از خانه و کاشانه خود تمایل ندارد اصل بر این فرض گذاشته شده که مراجعین به این مراکز در پایان راه ناچار به خروج از خانه شده‌اند بنابراین اعتراف خودشان مبنی بر نداشتن امنیت جانی، روانی و ... برای پذیرش کافی است (همان).

۱۳۰

هدف کلی این طرح را حمایت و توانمندسازی زنان و دخترانی که در معرض خشونت قرار دارند، است. این قشر از جامعه خدماتی اعم از سرپایی یا اقامتی همچون خدمات تخصصی مددکاری اجتماعی، روانشناسی، بهداشتی و درمانی، حقوقی، فرهنگی، آموزشی و اشتغال (آموزش مهارت‌های زندگی، حرفه‌آموزی، آموزش‌های مرتبط با توانمندسازی خدمت‌گیرندگان، کاریابی و اشتغال) دریافت می‌کنند که پس از دریافت خدمات تخصصی موردنیاز از مرکز ترخیص می‌شوند. تأیید امنیت فضای خانواده از نظر جانی و روانی برای ترخیص خدمت‌گیرنده توسط تیم تخصصی را ملاک ترخیص افراد از خانه‌های امن است (پوراسلامی و رفیعی‌پور، ۱۳۷۹: ۵۲). نداشتن حامی، ترس از تهدید یا آزار رسیدن توسط اعضای خانواده، باورهای عرفی و ترس از دست دادن فرزندان را مهمترین عوامل باقی ماندن زنان خشونت دیده در محیطی که برای آنها خشونت‌زا است دانست. این افراد، معمولاً عزت نفس خود را از دست داده و در محیط‌های کاری، کارایی پایینی دارند و رفتارهای پرخاشگرایانه یا حالات افسردگی در آنان مشاهده می‌شود که علاوه بر این کودکان آنها بعنوان افرادی که شاهد خشونت‌های خانگی بوده‌اند، از فضای ناامن خانه و صحنه‌های خشونت‌آمیز تأثیر پذیرفته و دچار مشکلات روحی و رفتاری می‌شوند و احتمال اینکه این کودکان در آینده تبدیل به افراد آزارگر و خشن شوند، بالاتر از سایر کودکان است.

سازمان بهزیستی کشور به استناد اصل دهم، ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی و ماده لایحه قانونی تشکیل سازمان مصوب مورخ ۱۳۵۹/۰۳/۲۴ و مضمون اول و چهارم سند چشم‌انداز توسعه بیست ساله کشور و همچنین به منظور مواجهه صحیح با افراد در معرض آسیب یا آسیب دیده اجتماعی و فراهم کردن زمینه ادامه زندگی سالم در جامعه و طبق سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی مبنی بر تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن، راه‌اندازی اسکان موقت را در دستور کار خود قرار داد که اکنون با نگاهی جامع‌نگر و تخصصی بعنوان خانه‌های امن به زنان خشونت دیده و در معرض خشونت ارائه خدمت می‌دهد. سازمان بهزیستی در سطح کشور خانه‌های امن را بعنوان سرپناهی برای زنان بی‌پناه از خشونت‌های خانگی راه‌اندازی کرده است و بنابه اعلام این سازمان، در زمان حاضر ۱۸ استان کشور از این خانه‌های امن برخوردارند؛ خشونت علیه زنان یکی از پدیده‌های رایج در جامعه است بنابراین ایجاد خانه‌های امن با فکر و ایده بهزیستی می‌تواند پناهگاه و منزلگاهی برای زنان، به منظور دور ماندن از خشونت‌های خانگی و رفع مشکلات این قشر باشد (روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵/۱۲/۱۰).

مراکز خانه امن از سال ۱۳۹۲ با هدف پاسخگویی به نیاز اجتماعی «حمایت از زنان و کودکان از خشونت‌های خانگی، کنترل و کاهش خشونت‌های خانگی و تبعات ناشی از آن» و انواع آزار (جسمی، جنسی و روانی) راه‌اندازی شده است چون اعمال خشونت نه تنها تندرستی، سلامت عقل، تعادل عاطفی و روانی آنها را به خطر می‌اندازد بلکه جامعه را نیز متضرر می‌سازد. به عبارتی هدف کلی این فعالیت، حمایت و توانمندسازی زنان و دخترانی است که در معرض خشونت هستند و یا مورد خشونت قرار می‌گیرند. در این مراکز خدمات تخصصی گوناگونی به زنانی که مورد خشونت خانگی قرار گرفته‌اند و فرزندان همراه آنها ارائه می‌شود. با فراهم کردن امکانات لازم در خانه‌های امن زنان خشونت دیده خانگی می‌توانند فرزندان دختر از شیرخوارگی تا دبیرستان و فرزندان پسر تا ۱۲ سالگی را به همراه خود داشته باشند که البته فرزندان پسر بعد از سن یاد شده، در مکانی دیگر نگهداری می‌شوند.

۳- جایگاه پلیس مبتنی بر پیشگیری وضعی از خشونت علیه زنان

پیشگیری وضعی عبارت است از تغییر در موقعیت‌های خاصی که احتمال ارتکاب جرم در آن زیاد است به منظور دشوار کردن، پر خطر کردن یا جاذبه‌زدایی برای کسانی که قصد ارتکاب دارند. در رویکرد وضعی به پیشگیری، اعتقاد بر این است که جرم قابل پیش‌بینی بوده و صرف‌نظر از اینکه مرتکب تحت تاثیر چه عاملی بوده، از طریق کاهش فرصت‌های ارتکاب و آماج‌های آن، با تغییر و کنترل موقعیت‌های مناسب برای ارتکاب جرم می‌توان وقوع آن را ممتنع و خنثی ساخت (شاهیده و جوان جعفری، ۱۳۹۳: ۱۱). لازم به ذکر است در

این بخش به یکی از خشونت علیه زنان، یعنی خشونت جنسی پرداخته شده است، برخی از جرائم جنسی علیه زنان ممکن است توسط افراد آشنا و اشخاصی صورت بگیرد که رابطه قبلی با بزه‌دیدگان داشته و بنحوی با او مراد شده‌اند. از این‌رو، نقش زنان در اقدامات خود مراقبتی که در راستای کاهش خطر بزه‌دیدگی آنها در جرائم جنسی بکار می‌رود بسیار اساسی است. مشارکت فعال بزه‌دیده در پیشگیری از جرائم جنسی نیازمند آگاهی وی از وضع‌های پرخطر و راه‌های اجتناب از آن است. حضور و تردد در مکان‌های خلوتی که امکان دسترسی به پلیس یا کمک دیگران بسیار پایین است و در زمان‌های خاصی مثل تاریکی هوا وضع پرخطر است و اجتناب از آن ضروری است (معمدی‌مهر، ۱۳۸۰: ۱۹۰).

یکی از نظریه‌پردازان به نام کلارک، پیشگیری وضعی را تدابیر و روش‌هایی تعریف می‌کند که برای کاهش فرصت ارتکاب شکل کاملاً خاصی از جرم استفاده می‌شود. بعنوان نمونه، طراحی و بکارگیری اقداماتی نظیر نصب دیوارهای آتشین یا استفاده از رمز عبور یا شناسه هویتی برای ورود به سیستم‌ها و شبکه‌های رایانه‌ای که ارتکاب جرم نفوذ غیرمجاز یا سرقت یا تخریب اطلاعات در فضای مجازی را با دشواری همراه می‌سازد، پیشگیری وضعی تلقی می‌شود (همان، ۱۹۱). در این نوع پیشگیری، پلیس و برنامه‌ریزان شهری نقش مهمی را ایفا می‌کنند. مسلماً سیاست تقویت آماج جرم روشی است که رویداد اعمال جنایی را دشوارتر می‌سازد و روشی است که از سوی پلیس حمایت می‌شود (صفاری، ۱۳۸۰: ۳۲۳). یکی از مهمترین راهکارهای پیشگیری وضعی قرار دادن مأمور در موضعی است که وقوع جرم علیه زنان و کودکان توسط زنان بزهکار محتمل است. در بسیاری از مکان‌هایی که خطر وقوع جرم در سطح بالایی وجود دارد، صرف حضور مأموران پلیس زن در امر پیشگیری از جرائم موثر است؛ زیرا حضور پلیس زن این حس را در زنان بزهکار ایجاد می‌کند که با سوء استفاده از جنسیت و پوشش و مسائل شرعی نمی‌توانند از زیر بار عواقب جرم فرار کنند و یا احیاناً آثار و مدارک جرم را به روش‌های زنانه محو و معدوم نمایند یا به فرار سایر مجرمان کمک کنند. همچنین برخورد پلیس زن آموزش دیده با زنان بزهکار می‌تواند بسیار سازنده باشد. بنحویکه ضمن بررسی دقیق جرایم اینگونه افراد با ظرافت‌های زنانه، از برچسب زدن و ایجاد حقارت و در نتیجه، غلتاندن زنان مستعد جرم به ورطه جرم و جنایت‌های بعدی جلوگیری کند (نازپرور، ۱۳۷۶: ۵۴).

۱۳۲

۳-۱- ایجاد تیم‌های پاسخ سریع به خشونت علیه زنان

نگارنده در این مبحث ایجاد تیم‌های سریع خشونت علیه زنان را بکارگیری مستمر واحدهای مخصوص پلیس و سیاست‌های ویژه دادگاه‌ها برای حفاظت از زنان و آموزش ویژه و ایجاد حساسیت در افسران پلیس و همچنین گشایش پاسگاه پلیس اجتماعی در محله‌ها به منظور افزایش دسترسی به پلیس، راه‌اندازی و توسعه مراکز مشاوره و واحدهای مددکاری اجتماعی و صدای مشاوره در سراسر کشور متناسب با نیاز فرماندهی

انتظامی استان‌ها هم می‌تواند پاسخ سریع به خشونت علیه بانوان باشد. و همچنین برگزاری و شرکت در نشست‌های علمی- تخصصی با حضور اساتید و کارشناسان (درون سازمانی و برون سازمانی) به منظور همفکری در بالا بردن سلامت روانی جامعه می‌داند. دستگاه پلیس در هر سه وظیفه اساسی خود مخصوصاً در پیشگیری (با ایجاد نظم و امنیت و آرامش) و در ارائه خدمات، با اقبال گوناگون زنان و دختران سروکار دارد. مسلم است که امنیت و آرامش کامل برای دختران و زنان در صورتی در جامعه محقق خواهد شد که نیروی پلیس زن نیز در ایجاد آن سهمی داشته باشد. در بخش خدمات نیز سهولت و صحت خدمات به لحاظ اجرایی و هم شرعی ایجاب می‌کند که کار زنان را در نیروی انتظامی خود زنان انجام دهند. بدیهی است مراد از حضور پلیس زن، تنها در سطوح اجرایی بکار گرفته شدن زنان در نیروی انتظامی نیست، بلکه این حضور بایستی در کلیه سطوح بخصوص سطوح تصمیم‌گیری و سیاستگذاری هم باشد.

با این حال رویه جاری پاسخ سریع به خشونت در ایران، پس از تماس با پلیس ۱۱۰ و اعلام جرم، این مرکز دستور رسیدگی به مسئله را به کلانتری حوزه محل وقوع جرم می‌دهد و ماموران کلانتری موظفاند در محل حاضر شده، به مورد رسیدگی کنند. بنابراین پلیس ۱۱۰ تنها بعنوان مرکز کنترل و فرماندهی عمل کرده، وظیفه دستور به کلانتری و نظارت بر عملکرد آن را عهده‌دار است. فقدان مقررات الزام‌آور برای پلیس در خصوص چگونگی برخورد با درخواست کمک بزه‌دیده خشونت خانوادگی و همچنین کمبود منابع و امکانات کلانتری‌ها مانع از شکل‌گیری رویه ثابت و منسجمی در نشان دادن واکنش سریع به خشونت خانوادگی شده ۱۳۳ است (حسامی، ۱۳۸۴: ۲۶۷). طبق دستورالعمل‌های داخلی نیروی انتظامی، ماموران کلانتری موظفاند در مواردی فوری خشونت خانوادگی، مانند مواردی که بیم وقوع قتل در میان باشد، ظرف چهار تا هفت دقیقه در محل حاضر شوند، اما در عمل، اجرای این دستور بستگی به تعداد نیروها و امکانات کلانتری مربوط دارد. فقدان امکانات و تسهیلات کافی در نیروی انتظامی کلانتری مربوط دارد. فقدان امکانات و تسهیلات کافی در نیروی انتظامی موجب شده است مدت زمان حضور پلیس در صحنه‌های خشونت خانوادگی، آشکار متفاوت باشد. برای نمونه، درحالی‌که حضور پلیس در محل وقوع خشونت، ظرف پانزده تا بیست دقیقه گزارش شده است، در مقابل در برخی موارد از عدم حضور پلیس در صحنه وقوع ضرب و جرح در محیط خانواده شکایت شده است.

۳-۲- ایجاد خط تلفن مستقیم پاسخ به خشونت علیه زنان

این روزها بسیاری از افراد جامعه در گذر از سنت به زندگی مدرنیته، فهم صحیحی از زندگی مدرن و امروزی کسب نکرده‌اند، بنحویکه این نوع زندگی را تنها در تغییر نوع پوشش، خانه و کالاهای لوکس متصور هستند؛ به همین دلیل نیز شاهد هیچ تغییری در رفتار اجتماعی افراد جامعه مثلاً در مقابله با بانوان و نحوه برخورد با

آنها نیستیم. مرکز مداخله در بحران^۱، تیم‌های سیار و کارشناسان خط تلفنی اورژانس اجتماعی به موارد خشونت علیه همسر و همسر آزاری رسیدگی می‌کنند. طرح ایجاد خط تلفن با هدف کاهش آسیب‌ها و خشونت علیه زنان ایجاد شده است و تا به امروز نتایج مثبتی را کسب نموده است. کارشناسان و مشاوران اورژانس اجتماعی در مواقع همسرآزاری تلاش می‌کنند با مذاکراتی که با زن و شوهر انجام می‌شود به آنان کمک کنند و در صورتی که مشکل، خیلی حاد شود از طریق مشاور حقوقی به آنان خدمات ارائه می‌شود یا اینکه به مراکز مشاوره خارج از مرکز اورژانس اجتماعی معرفی می‌شوند. در کشور کانادا، هنگامی که شما در معرض خشونت قرار می‌گیرید می‌توانید به نزدیکترین اداره پلیس، فرماندهی ژاندارمری، مرکز پیشگیری و نظارت بر خشونت، اداره پلیس خانواده و اجتماعی، دادستانی جمهوری، فرمانداری، دادگاه خانواده، شهرداری‌ها و سازمان‌های زنانه اعتراض کنید. علاوه بر این، اگر شما نمی‌توانید خانه را ترک کنید، می‌توانید در هر زمانی از روز اول ۱۸۳ خانواده، زنان، کودکان و همچنین شماره تلفن ۹۹۹ پلیس راهنمایی تماس بگیرید (unwomen.org).

۴- طیف افراد شرکت کننده در تیم‌های پاسخ سریع به خشونت علیه زنان

وقتی از خشونت علیه زنان حرف می‌زنیم، صحبت از یک واقعیت فراگیر است که شکل‌های مختلف و گاه پیچیده‌ای دارد و صرفاً کتک زدن و خشونت فیزیکی نیست. از هر سه زن در جهان یک نفر با خشونت‌های فیزیکی یا جنسی ... مواجه می‌شود و مسأله خشونت علیه زنان یکی از جدی‌ترین نقض‌های حقوق بشر است که در مقابل آن بیشترین درجه مدارا اعمال می‌شود. در مجموع ۳۵ درصد زنان خشونت را به شکلی تجربه کرده‌اند. در برخی مناطق جهان این رقم به ۷۰ درصد می‌رسد که اغلب این خشونت‌ها از سوی خانواده و همسران آنها صورت گرفته است. ۲۳ درصد زنان از سوی شریک مرد یا زن خود مورد خشونت قرار گرفته‌اند. ۳۴ درصد زنانی که دچار مشکلاتی در سلامت خود بوده‌اند، از تجربه خشونت نسبت به خود خبر داده‌اند. کمتر از ۴۰ درصد زنانی که مورد خشونت قرار می‌گیرند، آن را گزارش می‌کنند. اغلب زنان این موضوع را تنها با دوستان و خانواده خود در میان می‌گذارند و تنها ۱۰ درصد این گزارش‌ها به پلیس می‌رسد. زنانی که خشونت را تجربه کرده‌اند، دو برابر زنان دیگر با احتمال سقط جنین و افسردگی مواجه هستند. در بیشتر موارد، خشونت نسبت به زنان از سوی نزدیک‌ترین افراد خانواده اتفاق می‌افتد.

وابستگی‌های مالی، عاطفی، رسوم و سنت‌های مبتنی بر خشونت، زنان را به آماجی مناسب برای خشونت خانوادگی از سوی همسران‌شان تبدیل کرده است. آسیب‌پذیری زنان در ابعاد گوناگون، از جمله در حوزه

^۱ مرکز مداخله در بحران همان مرکز اورژانس اجتماعی با شماره تلفن ۱۲۳ است.

خانواده، اغلب نظام‌های حقوقی را بر آن داشته است تا با هدف حمایت از زنان بزه‌دیده خشونت خانوادگی، به اتخاذ یک سیاسی جنایی افتراپی روی آورند. پلیس بعنوان یکی از رکن‌های نظام عدالت کیفری، نقشی کلیدی در حمایت از زنان بزه‌دیده خشونت خانوادگی ایفا می‌کند. مامور پلیس می‌تواند راهکار سازش و میانجیگری را انتخاب کرده یا در نهایت، تشخیص دهد که موضوع ربطی به پلیس ندارد و محل را ترک کند (حسامی، ۱۳۸۴: ۲۶۰).

در حوزه خشونت خانوادگی، اجرای وظایف پلیسی شکل ویژه‌ای به خود می‌گیرد و پلیس موظف می‌شود علاوه بر انجام وظایف متعارف خود، موارد دیگری را نیز در نظر داشته باشد، انتخاب رفتاری مناسب و شایسته با زن خشونت دیده یکی از این موارد است. رفتار با بزه‌دیده باید همراه همدلی و احترام به شأن وی باشد و در این راه آگاه‌سازی بزه‌دیده، اجازه طرح دیده‌گاه‌ها و نگرانی‌های وی، فراهم کردن کمک‌های مناسب، تسهیل جبران خسارت، پرهیز از تاخیرهای غیرضروری در فرایند رسیدگی و تلاش برای تسهیل سازش و جبران از راه‌های غیررسمی مانند میانجیگری و داوری باید در دستور کار نهادهای رسیدگی کننده قرار گیرد. همچنین مامور می‌تواند با دادن شماره تلفن ایستگاه پلیس یا مامور مسئول پرونده به زن به وی اطمینان دهد که هرگاه که نیاز به کمک داشته باشد، پلیس آماده خدمات‌رسانی به اوست (معمدی، ۱۳۸۰: ۲۷۶).

ماموران پلیس در ایران فاقد حساسیت لازم نسبت به وقوع خشونت خانوادگی هستند و نگاه تردیدآمیز آنها

به بزه‌دیدی خشونت خانوادگی گاه موجب برخوردهای ناشایست با بزه‌دیده می‌شود. این رفتارهای ناشایست ۱۳۵ دامنه گسترده‌ای از عبارات و رفتارها، همچون بی‌اعتنایی به گفته‌های زن و استفاده از عبارات نیش‌دار، تحقیر کننده و توهین‌آمیز و درخواست‌های غیراخلاقی از زن را در بر می‌گیرد. در کل در سال‌های اخیر استفاده از پلیس زن در برخورد با بزه‌دیده زن و مددکار اجتماعی نباید نادیده گرفته شود. در کشور کانادا این ارگان‌ها و تیم‌ها موظف به پاسخگویی سریع هستند که بدین شرح است، سازمان‌های بهداشت و درمان: هنگامی که شما در معرض خشونت قرار می‌گیرید یا در معرض خطر هستید، (مرکز بهداشت، خانه بهداشت، پزشک خانواده، خدمات اورژانس بیمارستان) می‌توانید مراجعه کنید شما در موسسات بهداشتی درمان خواهید شد و یک گزارش نشان دهنده این موضوع که علیه شما خشونت صورت گرفته تنظیم خواهد شد.

ژاندارمری و یا اداره پلیس: جزئیات زندگی خود را دقیقاً شرح دهید و مطمئن شوید که دقیقاً به همان شکل که توضیح داده‌اید در شکایت‌نامه ثبت شود (Yazar, 2013).

۵- اختیارات تیم واکنش سریع به خشونت علیه زنان

باتوجه به اینکه در بسیاری از کشورها قوانینی برای حمایت از زنان و تنبیه متجاوزان وجود دارد اما این قوانین به صورت موثر و همیشگی اعمال نمی‌شود و زنان را بی‌دفاع رها می‌کنند. نه تنها سازمان‌های غیردولتی و رهبران بلکه شرکت‌های بزرگ و حکومت‌ها هم بدانند که توقف خشونت علیه زنان به نفع آنهاست. آفریقای جنوبی، هند، نپال، مکزیک نخستین کشورهایی هستند که برای شرکت در برنامه واکنش‌های سریع به خشونت علیه بانوان اعلام آمادگی کرده‌اند. واکنش سریع این کشور است که زنان به خیابان بیایند و در مورد خشونت‌های صورت گرفته صحبت کنند. در کشور ایران واکنش سریع به خشونت علیه بانوان، ایجاد لایحه تامین امنیت و مقابله با خشونت علیه زنان در کمیسیون قضایی دولت است و همچنین در روز جهانی خشونت علیه زنان هنرمندان و نمایندگان مجلس شورای شهر هر ساله به حالت نمادین آرم نارنجی رنگ، خشونت علیه زنان را بر روی سینه خود می‌چسبانند.

همچنین دسترسی پلیس به شکل پاسگاه‌های سیار، پلیس محله و گسترش کلانتری‌ها برای مقابله با چنین پدیده‌ای نمی‌تواند موثر واقع شود، چراکه خشونت خانگی معمولاً توسط خود بزه‌دیده یا اطفال آنها و یا همسایگان اطلاع داده می‌شود و در برخی مواقع ممکن است مرتکب خشونت دست به اعلام جرم بزند (معمولاً در قتل‌های خانوادگی) بنابراین وسیله ارتباطی که بیش از هر اهرمی در اعلام جرم مدنظر است، تلفن یا موبایل است. بزه‌دیده از طریق تلفن از نیروی پلیس استمداد می‌جوید و پلیس باید در اسرع وقت خود را به محل حادثه برساند، زیرا در صورت تاخیر ممکن است آثار ناگواری را باقی‌گذارد (رنگرز، ۱۳۸۹: ۱۴۸). در برخی موارد مرتکب خشونت ممکن است به دلیل تماس زن با پلیس، خشونت خود را تا هنگام رسیدن پلیس بیشتر کند، پس دسترسی پلیس به مکان وقوع جرم، موجبات کاهش آثار جرم و امکان حمایت در خور را ایجاد می‌کند. یکی از اقدامات مثبت پلیس ایران در سال‌های اخیر، گسترش خدمات مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ است که دسترسی به پلیس را در کوتاه‌ترین زمان در محل بزه‌دیدگی فراهم کنند (شیری، ۱۳۸۵: ۲۳). اهم اختیارات تیم واکنش سریع بر علیه خشونت، همدردی و همدلی پلیس با بزه‌دیده زن است، ایجاد بستر مناسب برای گفتگو در خصوص خشونت است، بکارگیری پلیس زن در برابر بزه‌دیده زن است، بالا بردن سطح فرهنگ و سطح آگاهی مردم از طریق رسانه‌ها، فضای مجازی، کتابچه‌ها است، راه‌اندازی خط تلفن پاسخگو به خشونت علیه زنان است، ارزش قائل شده به مقام زن و احترام به این شخصیت والا است. مهمترین اقدامات پلیس بعنوان تیم واکنش سریع، نخست بسیار مطلوب می‌رسد ولی با مشکلاتی هم همراه است که به شرح ذیل است:

اولاً پلیس فقط در جرایم مشهود می‌تواند به دستور قسمت دوم ماده ۴۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از اختیارات خود استفاده و حتی بدون اجازه مالک به منزل ورود کند که عبارت «تمام اقدامات» در

ماده فوق‌الذکر در ظهور همین معنا را دارد، اما جرایم داخل در خشونت‌های خانگی جزء جرایم مشهود نیست و از این حیث پلیس اختیاراتی ندارد. در ثانی باتوجه به بعضی از قوانین مترقی از جمله قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۶ همچنین لزوم حفظ حریم خصوصی این امر ممکن نخواهد بود. ثالثاً اینکه مأموران نیروی انتظامی که از ضابطان عام دادگستری هستند به موجب کسب مجوز از مقام قضائی می‌توانند به منزل ورود کنند، این امر هم به دلیل داشتن فرآیند تقریباً طولانی برای آن زمان میسر نخواهد بود.

پاسخ‌های رفاهی: دولت در خصوص ترویج و تقویت فرهنگ احترام به زنان و حقوق بشر سهم بسزایی دارد. ارائه راهکارهایی که متناسب با مقتضیات فرهنگی و اجتماعی است نیز در کاهش خشونت علیه زنان تأثیرگذار است. در غالب نظام‌های کیفری، زنان قربانی خشونت، راه‌حلهایی قانونی در پیش روی خواهند داشت، از جمله طلاق، اقامه دعوی تخلف مدنی و توسل به قوانین کیفری. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که مسئله خشونت‌های خانوادگی صرفاً یک مسئله حقوقی نیست بلکه یک مشکل اجتماعی نیز هست مشکلی که نظام حقوقی به تنهایی قادر به حل آن نیست. بعنوان مثال، در صورتی که فردی ضرب و شتم شود، می‌تواند علیه مرتکب جرم به خواسته جبران نقدی ضرر و زیان وارده، اقامه دعوی کند. بدین ترتیب زنی که با یکی از انواع تخلفات مدنی از سوی شوهر خود مواجه شده باشد علی‌القاعده خواهد توانست علیه او تحت عنوان شبه جرم یا خلاف، به اقامه دعوی مبادرت کند (معظمی، ۱۳۸۳: ۲۳۸).

۵-۱- رفاه بانوان بزهدیده در مراجعه به کلانتری‌ها

خشونت‌های خانگی علیه زنان از جمله مسائل و مشکلاتی است که زندگی بسیاری از زنان را در طبقات و قشرهای گوناگون اجتماعی به نوعی متأثر می‌سازد. اگرچه خشونت‌های خانگی معمولاً در حریم خانواده رخ می‌دهد، اما زندگی زنان را در همه عرصه‌ها متأثر می‌سازد. خشونت علیه زنان کیفیت زندگی زنان و فرزندان‌شان، توانایی، استقلال و مولد بودن زندگی عادی آنها را به شدت تهدید می‌کند و به اختلال می‌کشد (میرزایی، ۱۳۹۳: ۶۲). در سال ۱۳۸۲ بعضی از شهرهای کشور ایران از جمله مشهد برای رفاه حال مراجعه‌کنندگان خانم اقدام به تاسیس کلانتری زنان نموده است، این کلانتری خدماتی مانند مشاوره‌های از قبیل: صلح و سازش و بررسی مسائل خانوادگی، مسائل تحصیلی و تربیتی با حضور کارشناسان خبره، رسیدگی به پرونده‌های خاص زنان از قبیل: سرقت، فرار از منزل، مواد مخدر و ... ارائه می‌دهد. در بررسی هریک از این پرونده‌ها یک تیم کارشناسی زن حضور دارد که بازجویی و سایر کارهای مربوط به هر پرونده توسط این کارشناسان و بازجویان انتظامی زن انجام می‌گیرد. این کلانتری‌ها باعث رفاه بیشتر بانوان شده است.

۵-۲- سهولت در مراجعه به سایر مراجع قضایی جهت اعلام جرم

یکی از بزرگترین و مهمترین پژوهش‌های پیمایشی درباره خشونت علیه زنان در ایران، طرحی ملی، در ۲۸ استان کشور است که در دفتر امور اجتماعی ملی، وزارت کشور و مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، اجرا شد. در این تحقیق انواع گوناگون خشونت خانگی علیه زنان در نه گروه تقسیم‌بندی شده است که عبارتند از: خشونت‌های زبانی، روانی، فیزیکی، حقوقی، جنسی، اقتصادی، فکری و آموزشی، مخاطرات. یافته‌های طرح ملی نشان می‌دهد که ۶۶ درصد زنان ایرانی، از ابتدای زندگی مشترک‌شان تاکنون، دست‌کم یکبار مورد خشونت قرار گرفته‌اند (میرزایی، ۱۳۹۳: ۶۶).

سعید سعیدپور نقاش تهرانی در تحقیقی با عنوان بررسی خشونت خانوادگی در خانواده‌های تهرانی که با روش پیمایشی در میان پنجاه زوج به شکل تصادفی، از میان زوجینی که به علت خشونت خانوادگی درخواست طلاق داشتند و به سه دادگاه و پزشکی قانونی مراجعه کرده بودند، انجام شده است به بررسی این مسئله می‌پردازد که چه عواملی موجبات خشونت خانوادگی را در خانواده‌های تهرانی را سبب می‌شوند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ارتباط معناداری میان خشونت خانوادگی و عقاید و باورهای نادرست فرهنگی و نیز شاهد خشونت بودن در دوران کودکی وجود دارد (پورنقاش تهرانی، ۱۳۸۴: ۸۵).

۵-۳- معرفی موقت بانوان بزهدیده به خانه‌های امن

۱۳۸

طرح ایجاد خانه‌های امن، طرحی است که در بسیاری از کشورهای دنیا با پشتوانه تحقیقی - پژوهشی به اجرا درآمده و تاکنون به بسیاری از مشکلات پاسخ داده و حتی در امر پیشگیری درگیری‌های خانگی نیز موفق بوده است. بطور قطع مردی که مجبور به یافتن پاسخ به هیچ سوالی برای کتک زدن همسرش از سوی قانون و عرف نیست و زن نیز جایی غیر خانه او، برای پناه بردن ندارد، الزامی برای کنترل و مهار خشم خود ندیده و با ایجاد کوچک‌ترین ناراحتی و مسئله‌ای اقدام به پرخاشگری و اعمال خشونت خواهد کرد. در راستای مهار چنین رویه‌ای و براساس مصوبه آخرین نشست اعضای شورای اجتماعی کشور قرار بر این است «خانه‌های پناه‌جو» با هدف حمایت از زنان پناه‌جو در سراسر کشور راه‌اندازی می‌شود. زنان پناه‌جو به زانی اطلاق می‌شود که خشونت دیده و یا در معرض خشونت بوده یا بنا به دلایلی از قبیل طلاق، فوت، زندانی بودن، اعتیاد همسر یا سرپرستی خانواده در معرض تهدید و آسیب‌های اجتماعی قرار گرفته‌اند و در شرایط بحرانی با مشکل تامین سرپناه روبرو هستند. طرح تاسیس خانه‌های پناه‌جو که چندی پیش با عنوان «خانه‌های امن» مطرح بود از سال ۱۳۷۷ و پس از اعلام نتایج یک مطالعه سه ساله در مورد خشونت علیه زنان به صورت جدی جزء مطالبات مجامع کارشناسی و غیردولتی کشور قرار گرفت. طی این سال‌ها اجرای این طرح به‌رغم حمایت از سوی دولت همواره با مخالفت‌های جدی حقوقی مواجه بود، چراکه معتقد بودند از آنجا که طبق قانون داخلی

زن تابع مرد است هیچکس حق ندارد زن را بدون اجازه مردش در محلی اسکان دهد و شوهر زن می‌تواند با طرح شکایت موضوع را پیگیری کند. اما این سد بالاخره در حجم انبوه مراجعات زنان آسیب دیده شکسته شد و از سال ۱۳۸۳ قوه قضائیه نیز بهترین راهکار برای حمایت از زنان خشونت دیده را در راه‌اندازی «خانه‌های پناهجو» یافت. اگرچه تاکنون جزء «کلیات» خبر دیگری از طرح احداث خانه‌های پناهجو مخابره نشده است اما با توجه به تشابهات کلی این خانه‌ها با خانه امن می‌توان هدف از احداث این خانه‌ها را نیز در ارائه خدمات به زنان خشونت دیده و یا در معرض خشونت، پیشگیری از بروز و رسوخ آسیب‌های اجتماعی در زنان پناهجو و زنان در معرض خطر، ایجاد بستر مناسب برای توانمندسازی زنان پناهجو و جلوگیری از تداوم خشونت علیه زنان عنوان کرد که از اجرای وظایفی مانند پذیرش و نگهداری زنان پناهجو، ارائه خدمات اجتماعی مداخله برای رفع عوامل به وجود آورنده خشونت، انجام حمایت و پیگیری وضعیت زنان پناهجو پس از ترخیص تحقق خواهد یافت (افروزشمنش، ۱۳۷۳). اما بدون شک تحقق این اهداف و اجرای صحیح وظایف در نظر گرفته شده برای «خانه‌های پناهجو» نیازمند یک هماهنگی کامل بین تصویرکنندگان و مجری است که به نظر می‌رسد دست‌کم تا به امروز از آن سخنی در میان نیست. در این خانه‌ها «اصل بر اعتماد» است، بنابراین در خانه‌های پناهجو تنها براساس «اعتراف» فرد نیز امکان‌پذیر و مجاز است بدین معنا که از آنجا که هیچ زنی به جدا شدن از خانه و کاشانه خود تمایل ندارد اصل بر این فرض گذاشته شده که مراجعین به این مراکز در پایان راه ناچار به خروج از خانه شده‌اند بنابراین اعتراف خودشان مبنی بر نداشتن امنیت جانی، روانی و ... برای پذیرش کافی ۱۳۹ است (همان).

هدف کلی این طرح را حمایت و توانمندسازی زنان و دخترانی که در معرض خشونت قرار دارند، است. این قشر از جامعه خدماتی اعم از سرپایی یا اقامتی همچون خدمات تخصصی مددکاری اجتماعی، روانشناسی، بهداشتی و درمانی، حقوقی، فرهنگی، آموزشی و اشتغال (آموزش مهارت‌های زندگی، حرفه‌آموزی، آموزش‌های مرتبط با توانمندسازی خدمت‌گیرندگان، کاریابی و اشتغال) دریافت می‌کنند که پس از دریافت خدمات تخصصی موردنیاز از مرکز ترخیص می‌شوند. تأیید امنیت فضای خانواده از نظر جانی و روانی برای ترخیص خدمت‌گیرنده توسط تیم تخصصی را ملاک ترخیص افراد از خانه‌های امن است (پوراسلامی و رفیعی‌فر، پیشین: ۵۲). نداشتن حامی، ترس از تهدید یا آزار رسیدن توسط اعضای خانواده، باورهای عرفی و ترس از دست دادن فرزندان را مهمترین عوامل باقی ماندن زنان خشونت دیده در محیطی که برای آنها خشونت‌زا است دانست. این افراد، معمولاً عزت نفس خود را از دست داده و در محیط‌های کاری، کارایی پایینی دارند و رفتارهای پرخاشگرایانه یا حالات افسردگی در آنان مشاهده می‌شود که علاوه بر این کودکان آنها بعنوان افرادی که شاهد خشونت‌های خانگی بوده‌اند، از فضای ناامن خانه و صحنه‌های خشونت‌آمیز تأثیر پذیرفته و

دچار مشکلات روحی و رفتاری می‌شوند و احتمال اینکه این کودکان در آینده تبدیل به افراد آزارگر و خشن شوند، بالاتر از سایر کودکان است. سازمان بهزیستی کشور به استناد اصل دهم، ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی و ماده لایحه قانونی تشکیل سازمان مصوب مورخ ۱۳۵۹/۰۳/۲۴ و مضمون اول و چهارم سند چشم‌انداز توسعه بیست‌ساله کشور و همچنین به منظور مواجهه صحیح با افراد در معرض آسیب یا آسیب‌دیده اجتماعی و فراهم کردن زمینه ادامه زندگی سالم در جامعه و طبق سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی مبنی بر تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن، راه‌اندازی اسکان موقت را در دستور کار خود قرار داد که اکنون با نگاهی جامع‌نگر و تخصصی بعنوان خانه‌های امن به زنان خشونت دیده و در معرض خشونت ارائه خدمت می‌دهد.

سازمان بهزیستی در سطح کشور خانه‌های امن را بعنوان سرپناهی برای زنان بی‌پناه از خشونت‌های خانگی راه‌اندازی کرده است و بنابه اعلام این سازمان، در زمان حاضر ۱۸ استان کشور از این خانه‌های امن برخوردارند؛ خشونت علیه زنان یکی از پدیده‌های رایج در جامعه است بنابراین ایجاد خانه‌های امن با فکر و ایده بهزیستی می‌تواند پناهگاه و منزلگاهی برای زنان، به منظور دور ماندن از خشونت‌های خانگی و رفع مشکلات این قشر باشد (روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵/۱۲/۱۰). مراکز خانه امن از سال ۱۳۹۲ با هدف پاسخگویی به نیاز اجتماعی «حمایت از زنان و کودکان از خشونت‌های خانگی، کنترل و کاهش خشونت‌های خانگی و تبعات ناشی از آن» و انواع آزار (جسمی، جنسی و روانی) راه‌اندازی شده است چون اعمال خشونت نه تنها تندرستی، سلامت عقل، تعادل عاطفی و روانی آنها را به خطر می‌اندازد بلکه جامعه را نیز متضرر می‌سازد. به عبارتی هدف کلی این فعالیت، حمایت و توانمندسازی زنان و دخترانی است که در معرض خشونت هستند و یا مورد خشونت قرار می‌گیرند. در این مراکز خدمات تخصصی گوناگونی به زنانی که مورد خشونت خانگی قرار گرفته‌اند و فرزندان همراه آنها ارائه می‌شود. با فراهم کردن امکانات لازم در خانه‌های امن زنان خشونت دیده خانگی می‌توانند فرزندان دختر از شیرخوارگی تا دبیرستان و فرزندان پسر تا ۱۲ سالگی را به همراه خود داشته باشند که البته فرزندان پسر بعد از سن یاد شده، در مکانی دیگر نگهداری می‌شوند.

۱۴۰

۶- خشونت علیه زنان در کانادا

در کانادا بزه‌دیده خشونت خانگی با ارائه یک درخواست ساده در همان مراحل اولیه رسیدگی می‌تواند صدور دستور حمایت مدنی را تقاضا کند. این دستورات بر مبنای وضعیت اضطراری بزه‌دیده به حمایت در برابر خطر صادر می‌شود. دستور حمایت اضطراری موقت است و تا دو هفته می‌تواند ادامه داشته باشد. بعد از رسیدگی قضایی دادگاه می‌تواند دستور حمایت از وی برای چند ماه یا چند سال را صادر کند. دستور حمایتی، از

آسیب‌رسانی بزه‌کار یا برقراری ارتباط با بزه‌دیده پیشگیری می‌کند. دستورات موقت می‌تواند پرداخت مبلغ برای گذران زندگی و نگهداری از اطفال را نیز شامل شود. در صورتی که بزه‌کار دستور حمایتی دادگاه را نقض کند، دادگاه می‌تواند برحسب مورد وی را به جزای نقدی یا مجازات زندان محکوم کند.^۱ اکثر ایالات آمریکا برای نقض دستور حمایتی مجازات پیش‌بینی کرده‌اند و در ۳۱ ایالت مقررات بازداشت اجباری ناقض دستور حمایتی و بازداشت اجباری مرتکب خشونت خانگی را تصویب کرده‌اند و در صورتی که پلیس دلایل معقولی داشته باشد که فردی مرتکب خشونت خانگی شده یا فردی دستور حمایتی دادگاه را نقض کرده، باید مرتکب را بازداشت کند.^۲ در اکثر ایالات استرالیا و نیوزیلند برای حمایت فوری از بزه‌دیدگان خشونت خانگی به پلیس اختیار صدور دستور حمایتی موقت تفویض شده که با عنوان «دستور ایمنی»^۳ شناخته می‌شود.

- جایگاه پلیس کانادا در برخورد با خشونت علیه زنان

جایگاه پلیس و سیاست جنایی کشور کانادا، خطوط تلفن خاص برای پاسخگویی به خشونت علیه زنان ایجاد شده است. بزه‌دیده خشونت می‌تواند از طریق تماس با ۹۱۱ یا تماس با اداره پلیس محلی درخواست خدمات بزه‌دیدگان یا خدمات پلیسی نماید. این خطوط تلفنی تحت عناوین خطوط ارتباطی بحران یا کمک مرسوم شده‌اند. در صورت تماس با این خطوط حسب مورد بدون شناسایی هویت فردی که تماس گرفته آموزش‌های لازم به او داده می‌شود یا اکیپی از ماموران خدمات اجتماعی، مددکاران، روانشناسان و پلیس به محل اعزام می‌شوند و اقدامات مقتضی را انجام می‌دهند. بزه‌دیدگان در صورتی که از امنیت خود ترس داشته باشند، می‌توانند از تضمینات امنیتی که در قانون کانادا درج شده بهره‌مند شوند. بعنوان نمونه به موجب این دستور می‌توان مرتکب خشونت را از هرگونه ملاقات فیزیکی، تلفنی یا نوشتاری منع کرد و در صورت نقض دستورات، پلیس می‌تواند وی را بازداشت کند. درخصوص بزه‌دیده خشونت پلیس می‌تواند مرتکب خشونت را از هرگونه ملاقات فیزیکی، تلفنی یا نوشتاری منع کرد و در صورت نقض دستورات، پلیس می‌تواند وی را بازداشت کند. درخصوص بزه‌دیده خشونت، پلیس می‌تواند بزه‌دیده را به سمت خدمات بزه‌دیدگان هدایت کند. در صورت برخورداری از خدمات بزه‌دیدگان، فرد می‌تواند از اعمال و رفتار مرتکب خشونت در امان باشد (همان).

براساس آخرین گزارشات خشونت علیه زنان در کشور کانادا در سال ۲۰۱۷، ۵۳ درصد از خشونت‌ها منجر به مرگ زنان شده است و که از این آمار ۳۰ درصد آن به پلیس گزارش شده است و ۷۰ درصد آن به پلیس گزارش نشده است.^۴ لازم به ذکر است که گزارش پلیس فدرال کانادا ۱۱۸۶ مورد ناپدید شدن یا قتل زنان

¹ See Nat'l Network to End Domestic Violence, State Protection Order Laws (2005) (collecting statutes).

² Nat'l Network to End Domestic Violence, Criminal Violations (2005) (collecting statutes).

³ Safety Order

⁴ By the numbers violence against women and girls in Canada December, 2017: 3.

بومی در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲ به ثبت رسیده است. در اعتراض به این مساله، در ژوئن ۲۰۱۴ صدها شهروند کانادایی با برگزاری تظاهراتی در شهر "سنت جان" تحقیق و رسیدگی به پرونده زنان بومی ناپدید شده و یا به قتل رسیده را خواستار شدند.

۷- مقایسه قانون ایران با کانادا

مقررات قانونی ایران، در مورد خشونت جسمانی در اجتماع مواد قانونی متعددی وجود دارد. براساس ماده (۶۲۱) قانون مجازات اسلامی مجازاتی برای ربودن افراد از جمله زنان ۵ تا ۱۵ سال در نظر گرفته شده است. در مواد (۶۲۲) تا (۶۲۴) قانون مجازات اسلامی نیز به مساله مقابله با خشونت علیه زن حامله پرداخته شده است. در ماده (۶۲۲) آمده است: «هرکس عالماً، عامداً بواسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله موجب سقط جنین وی شود علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص، حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد. یکی دیگر از قوانینی که به خشونت علیه زنان پرداخته است قانون مبارزه با قاچاق انسان است. در قانون جمهوری اسلامی ایران، قاچاق زنان و کودکان به قصد فحشا و سوءاستفاده از آنها به حبس از دو تا ده سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، می‌باشد». قانون دیگری که به مساله خشونت جسمانی علیه زنان در اجتماع می‌پردازد قانون «تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت» است. براساس ماده (۶) این قانون که در سال ۱۳۸۷ به تصویب رسید، با تأکید بر کنوانسیون بین‌المللی دولت‌های عضو اذعان می‌دارند که زنان و دختران دارای معلولیت دچار تبعیضات چندگانه هستند و در این رابطه تدابیری را جهت تضمین بهره‌مندی برابر و کامل آنها در مورد تمامی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین اتخاذ خواهند نمود.

۱۴۲

نوع دیگر قوانین مقابله با خشونت علیه زنان، «قوانین مقابله با خشونت روانی در اجتماع» را دربرمی‌گیرد که این خشونت شامل هرگونه تحقیر، بددهانی، فحش، توهین، متلک‌پرانی و تهدید به کارهایی می‌شود که به زن آسیب می‌رساند. ماده (۶۱۹) قانون مجازات اسلامی به مقابله با مزاحمت خیابانی پرداخته و عنوان داشته که هرکس در اماکن عمومی و معابر، متعرض یا مزاحم اطفال و زنان شود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنها توهین کند به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

در حوزه خشونت خانگی علیه زنان نیز در کشور ما قوانینی به تصویب رسیده است که برخی از آنها به خشونت جسمانی و برخی دیگر به خشونت روانی در محیط خانه می‌پردازند. در ماده (۱۱۰۲) قانون مدنی اشاره شده که زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر هستند که این حسن خلق شامل رفتار و گفتار می‌شود. در ماده (۱۱۱۵) نیز آمده است اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی، مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن علی‌حده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور، محکمه حکم

بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است نفقه برعهده شوهر خواهد بود. در لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت به موارد متعددی اشاره شده که در اینجا به برخی از این موارد می‌پردازیم. برابر ماده (۲) این لایحه زنان بالاتر از ۱۸ سال و زنان متأهل بالاتر از ۱۳ سال مشمول حمایت از این لایحه می‌شوند. در یکی از بندهای این لایحه به وضعیت زنان آسیب‌پذیر مانند زنان بیمار، باردار، کم‌توان و ناتوان، مهاجر، پناهنده، فقیر و ... اشاره شده که این افراد مورد حمایت قرار می‌گیرند. در لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت برای مقابله با خشونت جنسی در ۴ سطح شامل تجاوز جنسی، تعرض جنسی، آزار جنسی و مزاحمت جنسی جرم‌انگاری صورت گرفته شده است. در این لایحه آزارهای شوهر که منجر به خودسوزی، خودکشی و اقدام زن علیه خود می‌شود مورد توجه قرار گرفته و جرم‌انگاری شده است. یکی دیگر از موارد جرم‌انگاری شده در این لایحه خشونت‌های روانی است که تعریفی از آن صورت گرفته و سعی شده حدود آن مشخص شود. همچنین، برای جرایمی مانند سوءاستفاده از موقعیت شغلی و اجتماعی مثل ارتکاب جرایم توسط پزشکان، وکلا و کارشناسان رسمی، اساتید دانشگاه و ... که بنا به موقعیت‌های شغلی با زنان در ارتباط هستند در صورتی که مرتکب رفتارهای مجرمانه مذکور در این لایحه شوند ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته شده است.

در قانون ایران و یا سیاست جنایی ایران در خصوص خشونت علیه بانوان تابع رویکرد یا رویه ویژه‌ای نیست.

بعضاً مشاهده می‌شود برای حمایت از برخی حقوق و آزادی‌های بانوان در برخی مکان‌های خاص از قبیل ۱۴۳ استخرها و باشگاه‌های ورزشی بانوان، طرح‌هایی ارائه شده که البته این طرح‌ها هنوز اجرا نشده‌اند. مقررات ماده (۴۲) قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر داشته در صورت امکان تحقیقات از زنان و اطفال توسط پلیس زن انجام خواهد شد در صورتی که کشور کانادا در این خصوص از انسجام و گستردگی نسبتاً بالایی برخوردار است تفویض اختیارات ویژه به افسران پلیس برای جداسازی طرفین خشونت از یکدیگر و بازداشت مرتکب، اختصاص خط تلفن خاص برای درخواست کمک، ایجاد اکیپ پاسخ سریع به خشونت و طراحی و اجرای پروژه‌های حل مسئله برای پاسخ به این مسئله است (همان).

در کانادا در قانون ۵43 به خشونت علیه زنان اشاره کرده است و خشونت را در چند دسته خانگی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی دانسته است و ضمانت اجرای آن به صورت بازداشت موقت است.^۱

¹ Criminal of Canada

نتیجه‌گیری

خشونت علیه زنان نقض حقوق بشر است و دولت‌ها موظف‌اند از امنیت شهروندان محافظت کنند. با این حال، سال‌های طولانی خشونت علیه زنان هم از نظر اجتماعی و هم از نظر دولت‌ها نادیده گرفته شده است و در میان سیاستمداران از لحاظ امنیتی جایگاهی ندارد. نیروی انتظامی و امنیتی در هر جامعه از ارکان حیاتی و تعیین‌کننده آن جامعه، در رشد و شکوفایی مادی و معنوی افراد آن جامعه به حساب می‌آید. نحوه عملکرد و نوع زندگی هر فرد در بدنه یک جامعه، تابعی از فاکتورهای بسیار متنوع و متغیر است و از آنجایی که نیروی انتظامی مستقیماً با این بدنه در تعامل و ارتباطی سازنده است، تمامی این شاخص‌ها از نزدیک این نیرو را با خود درگیر می‌کند. یگان ویژه انتظامی در مقام یک مقام عملیاتی و بر مبنای وظایف خطیری که برعهده دارد در نوک پیکان این رسالت خطیر است و سرنوشت سازترین و حساس‌ترین مأموریت‌ها را این نیرو به عهده دارد و مدیریت راهبردی در این مورد خاص، حساسیت‌ها و دقایق و ظرایف مخصوص به خود را می‌طلبد. پلیس زن اولاً بعنوان یک زن باید وظیفه و رسالت مادری و همسری خود را انجام بدهد و در ضمن یکسری توانمندی‌هایی برای شغلی که دارد داشته باشد. شغل پلیسی یکسری توانمندی و ویژگی‌های خاص فردی لازم دارد. بخشی از کار پلیس زن برخورد با مجرمین و برخورد انتظامی است و بخش دیگری از کار در حیطه پیشگیری و مشاوره است که می‌بایست پلیس‌های زن توانمندی‌هایی را کسب کنند. لذا پلیس زن علاوه بر توانمندی‌های جسمی که در گزینش‌های اولیه لحاظ می‌شود مثل: تناسب قد و وزن و چابکی و ... باید یکسری اصول علمی را آموزش ببیند. پلیس زن باید با قوانین و مقررات، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی آشنا باشد. معمولاً پلیس‌های زن در طول آموزش از توانمندی‌های لازم برخوردار می‌شوند. البته سازمان برای هماهنگ کردن کار و زندگی‌های آنها امکاناتی را در اختیارشان قرار می‌دهد که بتوانند در زندگی خانوادگی و شغلی‌شان توازن برقرار کنند تا نقش شغلی آنها بر نقش مادری‌شان غلبه نکند.

وجود پلیس زن برای برقراری امنیت اجتماعی زنان و کودکان ضرورت دارد. توجه داشته باشید نیمی از جامعه زنان هستند، ایجاد امنیت برای زنان مستلزم حضور پلیس زن است. زنان برای بیان ظلمی که به آنها شده راحت‌تر می‌توانند با پلیس زن صحبت کنند و مشورت بگیرند. در نهایت این توضیح‌های ارائه شده در فوق این است که در هر دو کشور (ایران و کانادا) در خصوص خشونت علیه زنان در بعضی مواضع با یکدیگر یکسان است بطور مثال سامانه تلفنی برای شکایت خشونت علیه زنان و سازمان‌های مردم‌نهاد وجود دارد. منتها تفاوت آنها در شیوه رسیدگی به این جرم است که هر دو کشور به نظام کیفری خود رجوع کرده‌اند.

در ذیل پیشنهادهاتی در راستای هدف فوق ارائه می‌گردد:

- تضمین حمایت‌های قانونی و سریع نهادهای قانونگذاری و قوه قضائیه و نهادهای امنیتی و پلیسی کشوری از زنان مورد خشونت واقع شده؛
- هشدار و مجازات و پیگرد قانونی از طرف دستگاه‌های دولتی و قضائی کشور به افرادی که زنان را مورد آزار و ضرب و شتم فیزیکی و یا روانی و یا تجاوز جنسی قرار می‌دهند؛
- تشکیل کمیته‌های آموزشی برای زنان و مردان با حضور متخصصین و مشاورین امور خانواده جهت بالا بردن دانش جنسیتی و ارتقای سطح برخورد و ارتباط زنان و مردان. این کمیته می‌تواند متشکل از متخصصین داوطلب نیز باشد و اصلی‌ترین وظیفه آن طرح بحث آزاد حول محور دلایل بروز خشونت و چگونگی محدود کردن این نوع برخورد در روابط خانوادگی و بین زن و مرد می‌باشد؛
- اختصاص بودجه‌ای دولتی جهت تربیت کادرهای ورزیده در امور مشاورت خانوادگی و اجتماعی؛
- تشکیل خانه‌های امن زنان و مرکز اضطراری تلفنی، تیم‌های داوطلبانه نگرهبانان زن و مرد جهت حمایت از دختران و زنان مورد خشونت واقع شده؛
- تشکیل کمیته‌ها و یا کلوب‌های مردان جهت کمک فکری و روانی به مردانی که دست به خشونت می‌برند. هدف از تشکیل این کمیته گسترش آگاهی و آموزش مردان جهت مقابله با روحیه پرخاش و توام با خشونت است. مردان در چنین ارگانی حق دارند که یا با نام مستعار و یا گمنام حضور پیدا کنند. چنین تشکلی می‌بایست محلی برای انتقال تجربه مردان به یکدیگر و مرکزی برای آموزش باشد و بالطبع حضور متخصصین در چنین ارگانی امری مسلم است؛
- تغییر قوانین مندرج در قانون اساسی کشور در جهت زدودن تبعیض جنسیتی و برقراری عدالت جنسی؛ منطبق بر اعلامیه جهانی حقوق بشر؛
- کار مداوم و پیگیر جهت تغییر در نوع نگاه و بینش اجتماعی در برخورد با زنان مورد خشونت و تجاوز واقع شده؛
- تاسیس و یا ساماندهی سازمان‌های غیردولتی موجود که بطور زیرزمینی در جهت حمایت از حقوق زنان بزه‌دیده فعالیت می‌کند؛
- تدبیر استراتژی ویژه و دستورالعمل آن؛
- گزارش‌دهی به سازمان‌های بین‌المللی.

توانمندسازی زنان، یک راهبرد کلیدی برای حذف خشونت می‌باشد زیرا تا زمانی که زنان وابستگی اقتصادی و به تبع آن فکری، به مردان داشته و ارزش‌های اجتماعی‌شان را منحصرأ از نقش‌های مادری و همسری‌شان کسب کنند. آنها هرگز نمی‌توانند از خشونت‌رهایی یابند. به نظر می‌رسد، هم‌اکنون، خلا وجود حقوق‌دانان آگاه به مصائب، مشکلات و واقعیات روز مبتلا به جامعه زنان ایران در مجلس شورای اسلامی بیشتر احساس

می‌گردد تا تصویب لوایح و طرح‌های نوین و بشرگرایانه مبتنی بر تساوی حقوق زنان و مردان در کمیسیون‌های تخصصی مجلس بیشتر از حد متعارف به انتظار بررسی کارشناسانه قرار نگیرند. بدین ترتیب شایسته آن است که اعضای کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس به واقع ترکیبی از حقوقدانان و جرم‌شناسان پویاندیش و تحول‌گرای منتخب مردم باشند.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- افراسیابی، خدیجه و افراسیابی، علی (۱۳۹۵)، «پلیس و حمایت از حقوق بانوان بزه‌دیده»، فصلنامه حقوقی انتظامی، ش ۲.
- ۲- اعزازی، شهلا (۱۳۸۳)، «ساختار جامعه و خشونت علیه زنان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ش ۱۴.
- ۳- بخشی سورشجانی، لیلا (۱۳۸۵)، «خشونت علیه زنان»، پژوهش‌های تربیتی، ش ۷.
- ۴- پوراسلامی، محمد و رفیعی‌فر، شهرام (۱۳۷۹)، «حذف خشونت علیه زنان ضرورتی برای توانمندی‌سازی و سلامت زنان»، همایش توانمندسازی زنان.
- ۵- پورنقاش تهرانی، سید سعید (۱۳۸۴)، «بررسی تحلیلی خشونت علیه زنان»، دوماهنامه دانشور رفتار، ش ۱۳.
- ۶- ثباتی، مینا (۱۳۹۵)، «پاسخ پلیس به خشونت علیه زنان در کشور ایران و ترکیه»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان.
- ۷- جوانمرد، بهروز (۱۳۹۰)، «خشونت علیه زنان و انواع آن در پرتو گفتمان حقوق کیفری ایران در حمایت از زنان بزه‌دیده»، فصلنامه قضاوت، ش ۶۹.
- ۸- حسامی، سمیه (۱۳۸۴)، «حمایت از زنان بزه‌دیده خشونت خانوادگی در تحقیقات پلیسی»، نشریه حقوقی دادگستری، ش ۵۲.
- ۹- حیاتی، ناهیدالسادات (۱۳۸۳)، «خشونت علیه زنان یا خشونت فقط برای زنان»، فصلنامه بهداشت روان، ش ۷.
- ۱۰- رئیسی، حسن (۱۳۸۲)، «جوانان و ناهنجاری‌های رفتاری»، فصلنامه علوم اجتماعی علامه طباطبایی، ش ۲۱.
- ۱۱- رنگرز، رضا (۱۳۸۹)، «وظایف پلیس در قبال زنان بزه‌دیده خشونت خانوادگی»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ش ۱۵.
- ۱۲- شاهیده، فرهاد و جوان جعفری، عبدالرضا (۱۳۹۳)، «پیشگیری وضعی از بزه‌دگی زنان در جرایم جنسی»، فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، ش ۲.
- ۱۳- شیری، عباس (۱۳۸۵)، «پارادیم، عدالت کیفری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۷۴.

۱۴- صفاری، علی (۱۳۸۰)، «مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم»، *مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی*، ش ۳۳.

۱۵- کار، مهرانگیز (۱۳۷۹)، *پژوهشی درباره خشونت علیه زنان*، تهران: انتشارات گیسوم.

۱۶- معتمدی، مهدی (۱۳۸۰)، *حمایت از زنان در برابر خشونت، سیاست جنایی انگلستان*، تهران: انتشارات زیتون.

۱۷- معظی، شهلا (۱۳۸۳)، «حمایت زنان در برابر خشونت‌های خانگی»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ش ۱۳.

۱۸- مولاوردی، شهین دخت (۱۳۸۷)، «علل و ریشه‌های خشونت علیه زنان»، *مجله حقوق زنان*، ش ۱۰.

۱۹- میرزایی، رحمت (۱۳۹۳)، «بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان مراجعه کننده به مراکز قضایی شهرستان پاوه»، *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ش ۲.

۲۰- رحمت، علی (۱۳۹۴)، «خشونت علیه زنان و نقش پلیس در پیشگیری از بروز آن»، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، ش ۱.

۲۱- نازپرور، بشیر (۱۳۷۶)، «بررسی موارد زن آزاری فیزیکی در مراکز پزشکی قانونی»، *رساله دکتری دانشگاه علوم پزشکی*.

۲۲- نورمحمدی، غلامرضا (۱۳۹۰)، *نفی خشونت علیه زنان از نگاه علم و دین*، تهران: انتشارات سبز.

- 23- By the numbers violence against women and girls in Canada December 2017,p3
- 24- Nat'l Network to End Domestic Violence, State Protection Order Laws (2005) (collecting statutes).
- 25- Nat'l Network to End Domestic Violence, Criminal Violations (2005) (collecting statutes).
- 26- Indian Protection of Women from Domestic Violence Act (2005) .www.unwomen.org